

کلام مرحوم عراقی:

بازگشت کلام مرحوم عراقی به نوعی به کلام مرحوم نائینی است به اضافه آنکه ایشان گویی به اشکال مطرح شده نیز توجه دارند؛ ایشان می نویسند:

«أن صيغة اضرِبَ مثلا لما كانت مشتملة على مادة وهيئة خاصة فمادتها تدلّ حسب الوضع النوعي على نفس الحدث واما هيئتها الخاصة فهي أيضا لا تدلّ الا على النسبة الإرسالية و المحرّية بين المبدأ و الفاعل، لكن لا مفهوم هذه النسبة لأنّه معنى اسمي، بل مصداقه و صورة ذلك الربط الخاصّ الحاصل من تحريك المأمور نحو العمل على طبق الإرسال الخارجي، و حينئذ فلا يكون المستعمل فيه في الصيغة الا النسبة الإرسالية لا مفهوم الطلب كما عليه الكفاية «قدس سره» و عليه فلا بدّ و ان يكون دلالتها على الطلب من جهة الملازمة خاصة الناشئ هذا التلازم من جهة كون المتكلم في مقام الجدّ بالإرسال.»^۱

توضیح :

۱. صیغه «اضرِب» ماده ای دارد و هیأتی.
۲. ماده آن بر «وضع نوعی حدث» دلالت دارد و هیأت آن بر نسبت ارسالیه و محرکیه بین مبدء و فاعل دلالت دارد.
۳. اما این نسبت، یکی معنای اسمی نیست بلکه صورت آن معنای حرفیه ای است که از تحریک مخاطب به سوی عمل، حاصل می شود.
۴. و لذا مستعمل فيه در صیغه مفهوم طلب نیست بلکه ملازم با مفهوم طلب است.
۵. ملازمه هم به سبب آن است که می گوئیم متکلم نسبت به تحریک مأمور قصد جدی داشته، پس عقلا آن را طلب کرده است.

ما می گوئیم :

- (۱) تفاوت فرمایش ایشان با مرحوم نائینی از دو جهت است، یکی آنکه موضوع له هیأت امر را معنای حرفی می داند (نسبت محرکیه). و دوّم آنکه این نسبت را تحریکی می داند یعنی می گوید: «هیأت امر ایجاد می کند نسبت تحریکیه ای را در فاعل به سمت ماده».
- (۲) در عبارت ایشان فراز «صورة ذاك الربط الخاص الحاصل من تحريك المأمور» با مشکل مواجه است چراکه اگر هیأت امر برای ایجاد تحریک است، موضوع له صورت حاصل از این تحریک نخواهد بود.
- (۳) اما اگر مراد ایشان از نسبت تحریکیه همان بعث است، سخن قابل قبولی است. ولی اگر مراد چیز دیگری است، چنان نسبتی را در نمی یابیم.

۱. نهاية الافکار، ج ۱ ص ۱۷۸



۴) توجه ایشان به اینکه هیأت امر، انشایی و ایجاد است و لذا معنای حرفی است. به این معنی که: مستعمل فیه صیغه یک مفهوم مستقل (نسبت تحریکیه) نیست بلکه مصادیق خارجی این مفهوم، مستعمل فیه هستند و چون مصادیق خارجی «نسبت تحریکیه بین زید و مبدء» جز با تصور طرفین قابل تصور نیست، معنی حرفی می باشد. البته در این باره ممکن است در میان فلاسفه اتفاق نظر نباشد.

جمع بندی مبانی امام، مرحوم نائینی و مرحوم عراقی:

اگر بخواهیم تا اینجا به یک قول واحد برسیم که متضمن نقاط قوت اقوال سه گانه قبل باشد و مشکلات آنها را نداشته باشد می گوییم:

۱- هیأت امر، انشاء است.

۲- انشاء عبارت است از ایجاد تکوینی موضوع برای اعتبار عقلایی.

۳- هیأت امر موضوع تکوینی است برای آنکه عقلا در محیط نفس خود، بعث را اعتبار کنند. (یعنی همانطور که ما گاه فرد را هل می دهیم - تحریک تکوینی - گاه لفظی را به کار می بریم که عقلا آن را به عنوان بعث و تحریک اعتباری، اعتبار کرده اند؛ یعنی عقلا در میان خود پذیرفته اند که اگر کسی از این لفظ استفاده کرد، در صدد تحریک دیگران است. البته گاه از آن منبعث می شوند و گاه نمی شوند)

۴- در اکثر استعمالات، هیأت امر برای ایجاد بعث اعتباری، به کار برده می شود ولی گاه انگیزه متکلم انبعاث است و گاه انگیزه متکلم تعجیز و تحقیر و یا تمنی و ... است. (چنانکه در جملات خبری هم انگیزه های متکلم ها مختلف است). البته گاه ممکن است هیأت امر در بعث استعمال نشود و مجازاً در معانی دیگری به کار رود.

